

فصلنامه علمی - تخصصی
مطالعات قرآنی نامه جامعه
سال نوزدهم - شماره ۱۳۸
تابستان ۱۴۰۰

تأثیر اشرافیت و تجمل‌گرایی در انحطاط جامعه اسلامی از منظر قرآن

زهره خورشیدی‌فر

چکیده

تمدن نوین اسلامی، ساختار توسعه‌یافته جامعه‌ای اسلامی را ترسیم می‌کند که دارای شاخصه‌های خاص خود است. در برابر شکل‌گیری این شاخصه‌ها، ترویج سبک زندگی غربی، یکی از هشدارهای مورد توجه بیانیه گام دوم انقلاب است. تجمل‌گرایی و اشرافیت، از جمله پیامدهای سوء سبک زندگی غربی است که در آیات زیادی از قرآن، به عنوان یکی از عوامل انحطاط جامعه اسلامی معرفی می‌شود. نوشتار پیش رو با روش توصیفی - تحلیلی، به بررسی و تحلیل نقش موضوع اشرافیت و تجمل‌گرایی در انحطاط جامعه اسلامی در آیات قرآن می‌پردازد. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که بر طبق آیات قرآن، اشرافیت، پیامدهای جبران‌ناپذیری به دنبال دارد. از جمله آثار بینشی اشرافیت بر انحطاط جامعه، انکار یا تشکیک در عقاید حقه، ترویج عقاید باطل، جابجایی ارزش‌ها و ترویج حس‌گرایی است. همچنین تأثیرات رفتاری این خو، می‌توان از مصرف‌گرایی، گسترش فساد، اعراض از جهاد و مقاومت، ترویج فساد اخلاقی و تخریب رهبران الهی نام برد.

واژگان کلیدی: اشرافیت، مترقان، تجمل‌گرایی، انحطاط جامعه اسلامی، انکار عقاید حقه؛ فساد اخلاقی.

مقدمه

جامعه اسلامی از آغاز تا کنون، فراز و نشیب زیادی داشته است و عوامل موثر زیادی در این فراز و نشیب دخالت داشته‌اند. ترویج کفر، ظلم و ستم، گناه، فساد اقتصادی، استکبار، سرکشی، تجاوز و اشرافیت و تجمل‌گرایی، از جمله عوامل افول تمدن اسلامی، از نگاه قرآن است که هم اکنون نیز به وفور یافت می‌شود. از مهم‌ترین این موارد، توجه به ظواهر دنیایی و تجمل‌گرایی مسئولین و قشر مرفه جامعه است که به افزایش فاصله طبقاتی و بی‌خبرماندن از درد قشر ضعیف جامعه منجر شده است. گرچه گرایش به تجمل، امری عادی و ذاتی است، اما در اینجا مقصود از آن، وجه اغراق‌آمیز این گرایش است که آثار زیان‌بخشی را در فرهنگ و حتی اقتصاد سالم خانواده و اجتماع برجا می‌نهد. خداوند در قرآن، اشرافیت و تجمل‌گرایی را به عنوان عاملی برای انحطاط جامعه اسلامی معرفی می‌کند: «وَكَمْ قَصَمْنَا مِنْ قَرْيَةٍ كَانَتْ ظَالِمَةً وَأَنْشَأْنَا بَعْدَهَا قَوْمًا آخَرِينَ فَلَمَّا أَحْسَسُوا بِأَسْنَانَا إِذَا هُمْ مِنْهَا يَرْكُضُونَ لَا تَرْكُضُوا وَازْجِعُوا إِلَى مَا أُتْرِفْتُمْ فِيهِ وَ مَسَاكِينِكُمْ لَعَلَّكُمْ تُسْأَلُونَ؛ چه بسیار آبادی‌های ستمگری را در هم شکستیم و بعد از آنها، قوم دیگری روی کار آوردیم. هنگامی که عذاب ما را احساس کردند، ناگهان پا به فرار گذاشتند! (گفتیم:) فرار نکنید و به زندگی پر ناز و نعمت و به مسکن‌های پر زرق و برقتان بازگردید! شاید (سائلان بیابند و) از شما تقاضا کنند (شما هم آنان را محروم بازگردانید)» (انبیاء: ۱۱-۱۳) و «وَكَمْ أَهْلَكْنَا مِنْ قَرْيَةٍ بَطَرَتْ مَعِيشَتَهَا فَتَبَلَكَ مَسَاكِينُهُمْ لَمَ تَشْكُنْ مِنْ بَعْدِهِمْ إِلَّا قَلِيلًا وَكُنَّا نَحْنُ الْوَارِثِينَ؛ و چه بسیار از شهرها و آبادی‌هایی را که بر اثر فراوانی نعمت، مست و مغرور شده بودند هلاک کردیم! این خانه‌های آنهاست (که ویران شده)، و بعد از آنان، جز اندکی، کسی در آنها سکونت نکرد و ما وارث آنان بودیم» (قصص: ۵۸). رهبر معظم انقلاب در طول عمر انقلاب اسلامی، بارها و بارها خطر اشرافیت و تجمل‌گرایی را گوشزد کرده و هشدار داده‌اند. از جمله در سال ۱۳۹۷، درباره ساختمانی که با پول بیت‌المال ساخته شده بود، فرمودند: «بلائی اشرافی‌گری، بلائی بزرگی است. برای بنده، تصویر یک ساختمانی را که با پول بیت‌المال در یک نقطه‌ای ساخته شده است آوردند. من حیرت کردم. واقعاً که چطور جرئت

شده است؟ چطور دست و دل کسی به او اجازه داده است که پول بیت‌المال را صرف یک چنین چیزی بکند؟ مسئله اشرافی‌گری اگر چنانچه رایج شد، جزو سبک زندگی ما شد، آثار و تبعات آن و ریزش‌هایی که به وجود می‌آید، دیگر انتهای ندارد، خیلی مشکل است، خیلی کار را مشکل خواهد کرد؛ این را بایست [در نظر] داشته باشید» (بیانات در دیدار بانمایندگان و کارکنان مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۷/۳/۳۰). حال با توجه به آیات قرآن و بیانات مقام معظم رهبری باید دید اشرافی‌گری و تجمل‌گرایی چگونه موجب انحطاط جامعه اسلامی می‌شود؟

برای رسیدن به پاسخ، پس از بحث درباره مفهوم‌شناسی، با روش توصیفی و تحلیلی، پیامدهای اشرافیت و تجمل‌گرایی در دو بعد بینشی و رفتاری بر طبق آیات قرآن تبیین خواهد شد. در کتاب‌های فراوانی از جمله سه کتاب از استاد شهید مرتضی مطهری با نام‌های پانزده گفتار، صفحه ۳۱۴؛ بیست گفتار، صفحه ۱۷۰-۱۷۷ و عدل الهی، صفحه ۵۶ و همچنین چندین مقاله و پایان‌نامه، به موضوع اشرافیت و تجمل‌گرایی پرداخته شده است. برخی از این موارد عبارتند از:

۱. عبدالمحمدی، حسین، ۱۳۹۲ «شرح دنیاطلبی در کلام امام خمینی؛ نقش فساد اخلاقی در انحطاط تمدن آندلس»، تجمل‌آراستگی به سبک اسلامی، تهران: اداره کل تبلیغات اسلامی، ۱۳۹۲.

۲. اشرفی، عباس، ۱۳۹۲، «اشرافی‌گری؛ سبکی ناپسند برای زندگی با تاکید بر بیانات رهبر معظم»، فصلنامه فرهنگ مشاوره و روان‌درمانی؛ ویژه‌نامه سبک زندگی، سال چهارم، ش ۱۳.

۲. غضنفری، علی، ۱۳۷۹، «تعدیل ثروت در قرآن کریم»، مجله دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، ش ۳۳.

۳. غلامی، نجفعلی، ۱۳۸۶، «ساده‌زیستی و عدم تجمل‌گرایی»، مجله بازتاب اندیشه، ش ۸۹-۹۰.

۴. صدر، علیرضا، ۱۳۸۵، «روش امام علی علیه السلام در برقراری عدالت اقتصادی»، مجله نهج البلاغه، ش ۱۷-۱۸.

۵. اروجلو، فاطمه، ۱۳۸۴، «حضرت محمد ﷺ و رویارویی با اشرافی‌گری»، مجله تاریخ اسلام، دانشگاه باقرالعلوم علیه السلام، ش ۲۲.

۶. هاشمیان فرد، زاهد، ۱۳۸۶، «نقش ملاء و مترفین در تهدید امنیت جامعه»، تهران انتشارات رانحه عترت.

۷. نجاتی، مرتضی، ۱۳۷۹، «آفات ثروت‌اندوزی و شیوه‌های مبارزه با آن از دیدگاه قرآن و حدیث»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علوم و حدیث.

۸. رستگاران، علیرضا، ۱۳۷۹، «تجمل‌گرایی از دیدگاه اسلام»، پایان‌نامه کارشناسی، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام.

در آثار ذکرشده، به نقش اشرافیت و تجمل‌گرایی در انحطاط جامعه اسلامی پرداخته نشده است و ما در نوشتار حاضر تلاش داریم پیامدهای اشرافی‌گری و تجمل‌گرایی را در این زمینه بررسی کنیم.

۱. مفهوم‌شناسی

در این بخش، به تبیین مفاهیم لغوی و اصطلاحی برخی از واژگان کلیدی مقاله می‌پردازیم:

۱.۱. اشرافیت

اشرافی، منسوب به اشراف و در لغت به معنای برجای‌خاستن، بلندشدن (دهخدا، ۱۳۴۱، ج ۲، ص ۲۶۵)، دیده‌ورشدن و واقف‌شدن (عمید، ۱۳۴۲، ج ۱، ص ۱۳۲ و معین، ۱۳۴۲، ج ۱، ص ۱۵۹) است. کلمه «مترف»، معادل عربی اشرافیت به معنای نعمت‌زده و کسی که از نعمات وسیعی بهره‌مند است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۱۶۶). این واژه بر شخصی اطلاق می‌شود که دارای زندگی پر ناز و نعمت وسیعی است، درحالی‌که همت کمی دارد (فراهیدی، ۱۴۱۰، ج ۸، ص ۱۱۴). به عبارت دیگر، مترف شخصی است که دارای توسع و تنعم در لذت‌های دنیا و شهوت‌های آن

است (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۹، ص ۱۷ و قرشی بنایی، ۱۳۷۰، ج ۱، ص ۲۶۰). تجمل‌گرایی، از واژگان مترادف با اشرافیت است که معنای گرایش به زیبایی و نیکویی (فراهیدی، ۱۴۰۹، ج ۶، ص ۱۴۲ و راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۲۰۲) و زینت‌کردن (فیروزآبادی، ۱۴۱۶، ج ۴، ص ۴۸۱) آمده است. پس تجمل‌گرایی به معنای میل و رغبت‌کردن به تجملات و توجه به ظواهر زندگی است.

در کلام رهبر معظم انقلاب، تجمل‌گرایی به عنوان اولین و بزرگ‌ترین ضعف مسئولان معرفی شده است (ر.ک: بیانات در خطبه‌های نماز جمعه تهران، ۱۳۹۰/۱۱/۱۴). ایشان دوری از مال‌اندوزی را به عنوان یک اهتمام جدی برای مسئولان نظام اسلامی، امری لازم دانسته (ر.ک: بیانات در دیدار با مسئولان نظام، ۱۳۹۸/۲/۲۴) و می‌فرمایند: «ما نظام و کشوری می‌خواهیم که پیشرفته باشد و مردم آن دانشمند و بیدار و زنده باشند، غفلت‌زده و خواب‌آلوده نباشند. کشور برخوردار از عدالت باشد، مبرای از فساد باشد، طبقه اشراف بر آن حاکمیت نداشته باشند - چه اشراف سنتی، چه طبقه جدیدی که ممکن است اسمشان اتراف نباشد، اما در واقع اشراف باشند و به قول آقایان، از رانت‌های گوناگون اقتصادی استفاده کنند - برخوردار از استحکام سیاسی باشد و همه اینها، الهام‌گرفته از معارف دین و اسلام عزیز باشد. اسلام این ظرفیت را دارد که اینها را به ما تعلیم دهد. (بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان استان کرمان، ۱۳۸۴/۰۲/۱۹)

۱.۲. انحطاط جامعه اسلامی

واژه انحطاط به معنای به‌شتاب‌رفتن شتر، فرود آمدن در منزل، ارزان شدن و به‌زیر آمدن است (دهخدا، ۱۳۴۱، ج ۷، ص ۳۲۷). کلمه جامعه نیز اسم فاعل مونث از «جمع» به معنای گردآورنده (همان، ج ۵، ص ۸۹) است. از سویی نیز جامعه در اصطلاح به گروه و مردم یک شهر یا یک کشور یا جهان و صنفی از مردم (معین، ۱۳۴۱، ج ۱، ص ۵۲۱) که با هم وجه مشترک دارند (عمید، ۱۳۴۲، ج ۱، ص ۳۲۹) اطلاق می‌شود. شهید مطهری در تعریف جامعه بر این باور است که جامعه، مجموعه‌ای از افراد انسانی است که با نظامات، آداب، سنن و قوانین خاص، به یکدیگر پیوند خورده و زندگی



دسته جمعی دارند (مطهری، ۱۳۹۶، ص ۳۱۳). به عبارت دیگر این واژه، عرفاً به معنای «گروه» و علی‌الخصوص «گروهی از انسان‌ها» به کار می‌رود؛ خواه آن گروه از مردم که در یک روستا یا دهکده یا شهر یا استان یا کشور یا قاره زندگی می‌کنند و خواه آن گروه از مردم که دارای یک دین یا مذهب‌اند و خواه گروهی که حرفه و شغل واحدی دارند؛ به طور مثال، در ترکیبات «جامعه معلمان» و «جامعه روحانیون» استفاده می‌شود. البته گاهی به همه انسان‌هایی که بر روی زمین به سر می‌برند، «جامعه بشری یا جامعه بشریت» می‌گویند. (مصباح یزدی، ۱۳۹۱، ص ۲۴-۲۳)

در کلام رهبری معظم، جامعه اسلامی یعنی آن جامعه‌ای که در رأس آن جامعه، خدا حکومت می‌کند. قوانین آن جامعه، قوانین خدایی است. حدود الهی در آن جامعه جاری می‌شود. عزل و نصب را خدا می‌کند. در مخروط اجتماعی، اگر جامعه را به شکل مخروط، فرض و ترسیم کنیم، همچنان‌که معمول و مرسوم عده‌ای از جامعه‌شناسان است، در رأس مخروط، خدا است و پایین‌تر از خدا، همه انسانیت و همه انسان‌ها هستند. تشکیلات را دین خدا به وجود می‌آورد. قانون صلح و جنگ را مقررات الهی ایجاد می‌کند. روابط اجتماعی را، اقتصاد را، حکومت را، حقوق را، همه و همه را دین خدا تعیین می‌کند و دین خدا اجرا می‌کند و دین خدا دنبال این قانون می‌ایستد و این جامعه اسلامی است (بیانات در دیدار با مسئولان نظام، ۱۳۸۹/۰۸/۱۰). بر طبق آنچه که گفته شد، انحطاط جامعه اسلامی به این معنی است که جامعه، از قوانین و حکومت خدایی دور شود و در مسیر خلاف خداوند متعال قرار گیرد و در واقع، جامعه اسلامی از مسیر اصلی خود که در رأس این هرم، خداست، دور شود و در مسیر فرورفتن به قهقرا قرار گیرد و از مسیر شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی دور شود.

۲. تاثیر بینشی اشرافیت بر انحطاط جامعه اسلامی

«انکار عقاید حقه»، «ترویج عقاید باطل»، «جابه‌جایی ارزش‌ها» و «ظاهرینی» از جمله پیامدهای اشرافیت بر جامعه اسلامی است که در ادامه، بیان می‌شود.

۲،۱. اشرافیت و انکار عقاید حقّه

خداوند متعال در آیات قرآن، یکی از آثار سوء اشرافیت را انکار عقاید حقّه می‌داند و می‌فرماید: «وَقَالَ الْمَلَأُ مِنْ قَوْمِهِ الَّذِينَ كَفَرُوا وَكَذَّبُوا بِإِذْنِ اللَّهِ وَالْحَيَاةِ الدُّنْيَا مَا هَذَا إِلَّا بَشَرٌ مِثْلُكُمْ يَأْكُلُ مِمَّا تَأْكُلُونَ مِنْهُ وَيَشْرَبُ مِمَّا تَشْرَبُونَ * وَلَئِنْ أَطَعْتُمْ بَشَرًا مِثْلَكُمْ إِنَّكُمْ إِذَا لَخَاسِرُونَ * أَلْيَعِدُّكُمْ أَنْتُمْ إِذَا مِتُّمْ وَكُنْتُمْ تُرَابًا وَعِظَامًا أَنْتُمْ مُخْرَجُونَ * هِيَ هِيَ هِيَ مَا تَعْدُونَ * إِنَّ هِيَ إِلَّا حَيَاتُنَا الدُّنْيَا نَمُوتُ وَنَحْيَا وَمَا نَحْنُ بِمَبْعُوثِينَ * إِنْ هُوَ إِلَّا رَجُلٌ افْتَرَى عَلَى اللَّهِ كَذِبًا وَمَا نَحْنُ لَهُ بِمُؤْمِنِينَ؛ ولی اشراف (خودخواه) از قوم او که کافر بودند و دیدار آخرت را تکذیب می‌کردند و در زندگی دنیا به آنان ناز و نعمت داده بودیم، گفتند: «این بشری است مثل شما؛ از آنچه می‌خورید می‌خورد و از آنچه می‌نوشید می‌نوشد! (پس چگونه می‌تواند پیامبر باشد؟!)* و اگر از بشری همانند خودتان اطاعت کنید، مسلماً زیانکارید * آیا او به شما وعده می‌دهد هنگامی که مردید و خاک و استخوان‌هایی (پوسیده) شدید، بار دیگر (از قبرها) بیرون آورده می‌شوید؟! * هیهات، هیهات از این وعده‌هایی که به شما داده می‌شود! * مسلماً غیر از این زندگی دنیای ما، چیزی در کار نیست؛ پیوسته گروهی از ما می‌میریم و نسل دیگری جای ما را می‌گیرد و ما هرگز برانگیخته نخواهیم شد! * او فقط مردی دروغگوست که بر خدا افترا بسته و ما هرگز به او ایمان نخواهیم آورد!» (مؤمنون: ۳۳-۳۸). در این آیات، منکران مبدأ، معاد و نبوت، با دو وصف «ملأ» و «أترفناهم» توصیف شدند. واژه «ملأ» از مصدر «مَلَأَ» به معنای پرکردن آمده و راغب، آن را به معنای جماعتی هم‌رأی و هم‌عقیده می‌گیرد که چشم ناظران را به خود خیره نموده و جلال و شکوه‌شان همگان را به خود متوجه سازد (ر.ک: راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۷۷۶)؛ پس اشراف یک جامعه و شخصیت‌ها، سردمداران و پیشگامان یک جامعه را ملأ آن قوم گویند. علامه، «ملأ» را به معنای اشراف فرورفته در دنیا و فریفته زندگی مادی معرفی می‌کند (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۵، ص ۳۱). چنین توصیفی مشعر به آن است که علت انکار آنها، نه شبهه علمی، بلکه شهوات عملی و غوطه‌ور شدن در نِعَم مادی است. (ر.ک: ابن‌عاشور،

۱۴۲۰، ج ۱۸، ص ۴۳)

۲,۲. اشرافیت و ترویج عقاید باطل

بر طبق آیات قرآن، یکی دیگر از آثار سوء تجمل‌گرایی، ترویج عقاید باطل است. به عنوان نمونه، خداوند متعال می‌فرماید: «وَكَذَلِكَ مَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ فِي قَرْيَةٍ مِنْ نَذِيرٍ إِلَّا قَالَ مُتْرَفُوهَا إِنَّا وَجَدْنَا آبَاءَنَا عَلَىٰ أُمَّةٍ وَإِنَّا عَلَىٰ آثَارِهِمْ مُقْتَدُونَ؛ و این‌گونه در هیچ شهر و دیاری پیش از تو، پیامبر اندازکننده‌ای نفرستادیم مگر اینکه ثروتمندان مست و مغرور آن گفتند: «ما پدران خود را بر آیینی یافتیم و به آثار آنان اقتدا می‌کنیم» (زخرف: ۲۳). مطابق آیه، سردمداران مبارزه با انبیاء، همان ثروتمندان مست و مغرور هستند. آنها با تقلید از نیاکان و گذشتگان سعی می‌کنند عملکرد نامعقول خود را توجیه نمایند. اخذ به بینش برآمده از تقلید به جای بینش برآمده از تحقیق، ویژگی این جماعت است. آنها عقاید خرافی نیاکان خود را بر معارف حقه ترجیح داده و آن را نیز ترویج می‌کنند. (ر.ک: مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۷۱، ج ۲۱، ص ۳۸-۳۹)

۲,۳. اشرافیت و جابه‌جایی ارزش‌ها

بر طبق آیه: «وَقَالَ لَهُمْ نَبِيُّهُمْ إِنَّ اللَّهَ قَدْ بَعَثَ لَكُمْ طَالُوتَ مَلِكًا قَالُوا أَنَّىٰ يَكُونُ لَهُ الْمُلْكُ عَلَيْنَا وَنَحْنُ أَحَقُّ بِالْمُلْكِ مِنْهُ وَلَمْ يُؤْتَ سَعَةً مِنَ الْمَالِ قَالَ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاهُ عَلَيْكُمْ وَزَادَهُ بَسْطَةً فِي الْعِلْمِ وَالْجِسْمِ وَاللَّهُ يُؤْتِي مُلْكَهُ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ؛ و پیامبرشان به آنها گفت: خداوند (طالوت) را برای زمامداری شما مبعوث (و انتخاب) کرده است. گفتند: چگونه او بر ما حکومت کند، با اینکه ما از او شایسته‌تریم و او ثروت زیادی ندارد؟! گفت: خدا او را بر شما برگزیده و او را در علم و (قدرت) جسم، وسعت بخشیده است. خداوند، ملکش را به هر کس بخواهد، می‌بخشد و احسان خداوند، وسیع است و (از لیاقت افراد برای منصب‌ها) آگاه است» (بقره: ۲۴۷)، یکی دیگر از آسیب‌های اشرافیت، جابه‌جایی ارزش‌های حق و باطل است؛ زیرا این آیه قرآن به خوبی نشان می‌دهد که تجمل‌گرایی، نگرش ارزشی افراد و جامعه را دگرگون می‌کند؛ به طوری که موجب نافرمانی از فرمان الهی شود و ملاک‌های حقیقی زمامداری که دارای دانش و توانمندی است، نادیده بگیرند و ارزش موهوم دارایی و ثروت را ملاک شایسته‌سالاری تلقی

نمایند (ر.ک: مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۷۱، ج ۲، ص ۲۳۰-۲۳۹). همچنان که اشراف قریش نیز به خاطر همین جابه جایی ارزش‌ها، در اعتراض به بعثت حضرت ختمی مرتبت می‌گفتند: «وَقَالُوا لَوْلَا نُزِّلَ هَذَا الْقُرْآنُ عَلَى رَجُلٍ مِّنَ الْقُرَيْتَيْنِ عَظِيمٍ؛ وگفتند: «چرا این قرآن بر مرد بزرگ (و ثروتمندی) از این دو شهر (مکه و طائف) نازل نشده است؟!» (زخرف: ۳۱)؛ چرا که معیار ارزش را صرفاً ثروت و دارایی یا نسب و جایگاه اجتماعی می‌دانستند و در مواجهه با مبعوث شدن شخصی با سابقه یتیمی و تهیدستی، به اعتراض می‌پرداختند.

۲.۴. اشرافیت و ظاهربینی

از نظر قرآن، «نگاه ظاهربینی و حس‌گرایی» از جمله پیامدهای اشرافیت است. خداوند متعال می‌فرماید: «فَقَالَ الْمَلَأُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِن قَوْمِهِ مَا تَرَاكَ إِلَّا بَشَرًا مِّثْلَنَا؛ اشراف کافر قومش (در پاسخ او) گفتند: ما تو را جز بشری همچون خودمان نمی‌بینیم» (هود: ۲۷). همچنین در آیه دیگری از زبان اشراف قومش می‌فرماید: «قَالَ الْمَلَأُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِن قَوْمِهِ إِنَّا لَنَرَاكَ فِي سَفَاهَةٍ وَ إِنَّا لَنَنظُنُّكَ مِنَ الْكَاذِبِينَ؛ اشراف کافر قوم او گفتند: ما تو را در سفاهت (و نادانی و سبک مغزی) می‌بینیم و ما مسلماً تو را از دروغگویان می‌دانیم!» (اعراف: ۶۶). بر طبق این دو آیه، آنچه باعث انکار نبوت برای مترفین حضرت موسی عليه السلام شد، ظاهرگرایی آنان بود. از نظر آنها، بینش ما در مورد انسان، صرفاً از طریق ادراک حسی تأمین می‌شود و برحسب آن، پیامبر خدا که واسطه بین انسان‌ها و عالم غیب است، هیچ مزیتی نسبت به دیگران ندارد؛ در نتیجه، همین ظاهرگرایی، موجب انکار مقام نبوت و حیات اخروی می‌شد. (ر.ک: ابن عاشور، ۱۴۲۰، ج ۱۱، ص ۲۴۰-۲۴۱)

۳. تاثیر رفتاری اشرافیت بر انحطاط جامعه اسلامی

بر طبق آیات قرآن «مصرف‌گرایی»، «اعراض از جهاد»، «گسترش فساد»، «ترویج فساد اخلاقی» و «تخریب رهبران الهی» از جمله آثار رفتاری اشرافیت بر انحراف جامعه اسلامی است که در ادامه، به ذکر آن می‌پردازیم.

۳،۱. اشرافیت و مصرف‌گرایی

بر طبق آیات قرآن، یکی از آثار عملی اشرافیت، مصرف‌گرایی است. به عنوان نمونه، قرآن ضمن توصیف تهدیدات فرعون و حزب اشراف حامی او نسبت به جوانان مؤمن به موسی عَلَيْهِ السَّلَام، فرعون و فرعونیان را از اهل اشراف معرفی می‌کند: «فَاَمَّنَ لِمُوسَىٰ اِلَّا ذُرِّيَّةً مِّنْ قَوْمِهِ عَلٰى خَوْفٍ مِّنْ فِرْعَوْنَ وَ مَلَائِهِمْ اَنْ يُّفْتَنَهُمْ وَاِنَّ فِرْعَوْنَ لَعَالٍ فِي الْاَرْضِ وَاِنَّهُ لَمِنَ الْمُسْرِفِيْنَ» (در آغاز) هیچ‌کس به موسی ایمان نیاورد، مگر گروهی از فرزندان قوم او؛ (آن هم) با ترس از فرعون و اطرافیان‌ش، مبادا آنها را شکنجه کنند؛ زیرا فرعون، برتری‌جویی در زمین داشت و از اسرافکاران بود» (یونس: ۸۳). جالب آن است که لحن آیه به‌گونه‌ای است که «ملاً» یعنی سردمداران و اشراف، گویا از قوم بنی اسرائیل بودند؛ یعنی آنها اشراف بنی اسرائیل بودند که به خاطر قدرت‌طلبی، در حلقه یاران فرعون قرار گرفته بودند. به‌کاررفتن اسم فاعل «مسرف» در آیه، مشعر به نوعی ثبات و نهادینه‌شدن در وصف اشراف است؛ یعنی فرهنگ حاکم و رویه غالب در آنها اسراف است. (ر.ک: ابن‌عاشور، ۱۴۲۰، ج ۱۱، ص ۱۵۶-۱۵۸)

۳،۲. اشرافیت و گسترش فساد

یکی دیگر از آثار سوء تجمل‌گرایی، گسترش فساد است. خداوند متعال می‌فرماید: «ثُمَّ بَعَثْنَا مِنْ بَعْدِهِمْ مُوسَىٰ بِآيَاتِنَا اِلَىٰ فِرْعَوْنَ وَ مَلَائِهِ فَظَلَمُوا بِهَا فَاَنْظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُفْسِدِيْنَ» سپس به دنبال آنها [پیامبران پیشین]، موسی را با آیات خویش به سوی فرعون و اطرافیان او فرستادیم؛ اما آنها (با عدم پذیرش)، به آن (آیات) ظلم کردند. بنگر که عاقبت مفسدان چگونه بود» (اعراف: ۱۰۳). آیه در قالب اسم فاعل، آنها را توصیف به «مفسدین» کرده که این توصیف، دلالت بر رویه ثابت فساد آنها دارد. آیه به خوبی دلالت دارد که فرعون و قوم اشرافش، بر دلایل حقانیت حضرت موسی عَلَيْهِ السَّلَام ظلم کرده و آن را نپذیرفتند. دلیل این انکار و محرومیت، فساد آنها بوده که ریشه در روحیه تجمل‌گرایی آنها داشته است. (ر.ک: سید قطب، ۱۴۲۵، ج ۱۳، ص ۱۳۴۵)

۳,۳. اشرافیت و اعراض از جهاد

یکی دیگر از آثار سوء تجمل‌گرایی، سست‌عنصری و اعراض از میدان جهاد است؛ زیرا روحیه اشرافی‌گری و هوس‌مداری، سبب شده تا اشخاص در مسیر حق، سست و ضعیف عمل کنند و در نتیجه، همراهی آنها با جبهه حق تا زمانی ادامه پیدا می‌کند که موقعیت مادی آن را چیزی تهدید نکند (ابن‌عاشور، ۱۴۲۰، ج ۲، ص ۴۶۴). به عنوان نمونه، در آیه: ﴿قَالَ هَلْ عَسَيْتُمْ إِنْ كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِتَالُ أَلَّا تُقَاتِلُوا؟﴾ پیامبر آنها گفت: شاید اگر دستور پیکار به شما داده شود، (سربلندی کنید و) در راه خدا، جهاد و پیکار نکنید! ﴿(بقره: ۲۴۶)، سست‌همتی و ضعف روانی قوم اشراف، با استفهام تقریری تبیین شده است.

۳,۴. اشرافیت و تخریب جبهه حق

از جمله اقداماتی که جریان هوسران در مقابل جبهه حق و رهبران الهی انجام می‌دهند، تخریب رهبران الهی است. به عنوان نمونه، آیه: ﴿وَ جَاءَ رَجُلٌ مِنْ أَقْصَى الْمَدِينَةِ يَسْعَى قَالَ يَا مُوسَى إِنَّ الْمَلَأَ يَأْتَمِرُونَ بِكَ لِيَقْتُلُوكَ فَاخْرُجْ إِنِّي لَكَ مِنَ النَّاصِحِينَ﴾ (در این هنگام) مردی با سرعت از دورترین نقطه شهر [مرکز فرعونیان] آمد و گفت: ای موسی! این جمعیت برای کشتن تو به مشورت نشستند. فوراً از شهر خارج شو، که من از خیرخواهان توام! ﴿(قصص: ۲۰) و نیز آیه: ﴿فَقَالَ الْمَلَأُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ قَوْمِهِ مَا تَرَاكَ إِلَّا بَشَرًا مِثْلَنَا وَ مَا تَرَاكَ أَتَّبِعَكَ إِلَّا الَّذِينَ هُمْ أَرَادْنَا بِأَدْيِ الرَّأْيِ وَ مَا نَرَى لَكُمْ عَلَيْنَا مِنْ فَضْلٍ بَلْ نَظُنُّكُمْ كَاذِبِينَ﴾ اشراف کافر قومش (در پاسخ او) گفتند: ما تو را جز بشری همچون خودمان نمی‌بینیم! و کسانی را که از تو پیروی کرده‌اند، جز گروهی اراذل ساده‌لوح، مشاهده نمی‌کنیم و برای شما فضیلتی نسبت به خود نمی‌بینیم؛ بلکه شما را دروغگو تصور می‌کنیم! ﴿(هود: ۲۷) که این آیه به خوبی دلالت دارد بر اینکه قوم اشراف برای متوقف کردن نهضت حضرت نوح عليه السلام، شخصیت آسمانی او را انکار کرده و پیروان او را به فرومایگی و ظاهرینمی متهم کردند تا حضرت نوح را رهبر فرومایگان معرفی کنند. (ابن‌عاشور، ۱۴۲۰، ج ۱، ص ۲۳۹)

۳,۵. اشرافیت و فساد اخلاقی

یکی دیگر از تاثیرات اشرافیت در انحطاط جامعه اسلامی، بر طبق آیات قرآن، ایجاد فساد اخلاقی است. خداوند متعال در قرآن می‌فرماید: «وَإِذَا أَرَدْنَا أَنْ نُهْلِكَ قَرْيَةً أَمَرْنَا مُتْرَفِيهَا فَفَسَقُوا فِيهَا فَحَقَّ عَلَيْهَا الْقَوْلُ فَدَمَّرْنَاهَا تَدْمِيرًا؛ و هنگامی که بخواهیم شهر و دیاری را هلاک کنیم، نخست اوامر خود را برای «مترفین» (و ثروتمندان مست شهوت) آنجا، بیان می‌داریم، سپس هنگامی که به مخالفت برخاستند و استحقات مجازات یافتند، آنها را به شدت در هم می‌کوبیم» (اسراء: ۱۶). ملت‌هایی که می‌خواهند ملت‌های دیگر را ضعیف و ناتوان کنند، مسیر خود را از راه فساد اخلاق شروع می‌کنند. آنها از انواع راه‌ها، اخلاق ملت‌ها را فاسد می‌کنند؛ از فیلم‌های فاسد، فحشا، اسراف و تبذیر، رواج روحیه اشرافی‌گری و تجمل‌پرستی و... هرچه فساد در انسان بیشتر شود، احساس شرافت و انسانیت در او می‌میرد و چنین انسان‌هایی، پوک و پوچ می‌شوند. انسان‌هایی که فقط به فکر شکم و دامن‌شان هستند و جز به زندگی روزمره، به چیزی فکر نمی‌کنند. نه تنها اخلاقشان فاسد می‌شود، بلکه یک جامعه را به فساد و تباهی و در نهایت، به نابودی می‌کشند (مطهری، ۱۳۸۹، ص ۳۱۴). ابن‌خلدون، عالم و سیاستمدار اسلامی، در بیان مضرات روحیه تجمل‌گرایی می‌نویسد: تجمل‌خواهی و نازپروردگی برای مردم تباهی‌آور است؛ چه در نهاد آدمی انواع بدی‌ها و فرومایگی‌ها و عادات زشت پدید می‌آورد و خصال نیکی را که نشانه و راهنمای کشورداری است، از میان می‌برد و انسان را به خصال مناقض نیکی متصف می‌کند. بنابراین، تجمل‌پرستی و خصال زاییده شده از آن، نشانه بدبختی و انقراضی است که خداوند، آن را در آفریدگان خویش مایه نابودی ساخته است. از این رو مقدمات نابودی و زبونی و پریشان‌حالی در دولت پدید می‌آید و گرفتار بیماری‌های مزمن پیری و فرسودگی می‌شود تا سرانجام واژگون می‌گردد (ابن‌خلدون: بی‌تا، ص ۳۲۱). بنا به فرمایش رهبر معظم انقلاب، «فساد تجمل‌گرایی و اشرافیت، دوگونه است: نوع اول، همان اسراف است و نوع دوم، فرهنگ‌سازی است که خطرناک‌تر است از جمله مسئولین کشور، تلویزیون و منش من و شما هم در اینجا نقش دارد». (بیانات در دیدار با رئیس‌جمهور و اعضای هیات دولت، ۱۳۸۰/۰۶/۰۵)

نتیجه‌گیری

بر اساس آنچه که گفته شد، اشرافیت و تجمل‌گرایی، زمانی که برای انسان، مطلوبیت ذاتی پیدا کند، تاثیرات بینشی و رفتاری متعددی را بر جامعه اسلامی خواهد گذاشت و جامعه را از مسیر اصلی خود منحرف می‌سازد. بر طبق آیات قرآن، از جمله آثار بینشی اشرافیت بر انحطاط جامعه، انکار یا تشکیک در عقاید حقه، ترویج عقاید باطل، جابه‌جایی ارزش‌ها و ترویج حس‌گرایی است. همچنین از جمله تاثیرات رفتاری این‌خو، مصرف‌گرایی، گسترش فساد، اعراض از جهاد و مقاومت، ترویج فساد اخلاقی و تخریب رهبران الهی را می‌توان نام برد.



فهرست منابع

کتاب

- قرآن مجید، ترجمه: ناصر مکارم شیرازی.
۱. ابن فارس، احمد، ۱۴۰۴ق، معجم مقاییس اللغة، قم: مکتب الاعلام الاسلامی.
 ۲. ابن منظور، محمد بن مکرّم، ۱۴۱۴ق، لسان العرب، بیروت: دارالفکر للطباعة والنشر والتوزیع.
 ۳. ابن عاشور، محمد طاهر، ۱۴۲۰ق، تفسیر التحریر و التنویر المعروف بتفسیر ابن عاشور، بیروت: مؤسسه التاریخ العربی.
 ۴. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ۱۴۱۲ق، مفردات ألفاظ القرآن، بیروت: دارالشامیه.
 ۵. دهخدا، علی اکبر، ۱۳۴۱ ش، لغت نامه دهخدا، محمد معین، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
 ۶. سید قطب، ۱۴۲۵ق، فی ظلال القرآن، بیروت: دار الشروق.
 ۷. طباطبایی، محمد حسین، ۱۳۹۰ق، المیزان فی تفسیر القرآن، بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.
 ۸. طبرسی، فضل بن حسن، ۱۳۵۲ش، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تصحیح: هاشم رسولی و فضل الله یزدی طباطبایی، بیروت: دار المعرفه.
 ۹. عمید، حسن، ۱۳۴۲ش، فرهنگ عمید، تهران: انتشارات امیر کبیر.
 ۱۰. فراهیدی، خلیل بن احمد، ۱۴۰۹ق، کتاب العین، قم: موسسه دارلهجره.
 ۱۱. فیروزآبادی، محمد بن یعقوب، ۱۴۱۵ق، القاموس المحیط، بیروت: دارالکتب العلمیه، منشورات محمد علی بیضون.
 ۱۲. قرشی بنایی، سید علی اکبر، ۱۳۷۰ ش، قاموس القرآن، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
 ۱۳. مصباح یزدی، محمدتقی، ۱۳۹۱ش، جامعه و تاریخ / از دیدگاه قرآن، قم: شرکت چاپ و نشر بین الملل (وابسته به سازمان تبلیغات اسلامی).
 ۱۴. مطهری، مرتضی، ۱۳۹۶ش، مقدمه ای بر جهان بینی اسلامی (جامعه و تاریخ)، تهران: صدرا.
 ۱۵. _____، ۱۳۸۹ش، بیست گفتار، تهران: صدرا.
 ۱۶. معین، محمد، ۱۳۴۲ش، فرهنگ معین، تهران: امیر کبیر.
 ۱۷. مکارم شیرازی، ناصر و دیگران، ۱۳۷۱ش، تفسیر نمونه، تهران: دار الکتب الإسلامیه.

مقاله

۱. ابن خلدون، عبدالرحمن، ۱۳۹۸ش، مقدمه ابن خلدون، محمد پروین گنابادی، مصر: بی نا.

پایگاه اطلاع رسانی

۱. پایگاه اطلاع رسانی دفتر مقام معظم رهبری <https://farsi.khamenei.ir/>